

بررسی حرمت رضاعی از منظر قرآن و فقه فریقین

سید علی حسینی*

چکیده

در اسلام، برای روابط دوسویه بین افراد و رعایت حلال و حرام بین زن و مرد، نکاح، نگاه و تعامل سالم، دستورالعمل‌هایی بیان گردیده است. آنچه مسلم است عامل حرمت بین افراد، نسب، مصاهره و از جمله رضاع است؛ بدین معنا که طفلی از طریق شیر خوردن به عده‌ای محرم می‌گردد؛ اما در کمیت و کیفیت و شرایط، احکام، محرمیت، مسائل بسیاری است که اکثریت افراد جامعه با توجه به نیاز شدیدی که دارند، راجع به آن اطلاع کافی ندارند. از طرفی مباحث پیرامون این مهم در کتب تفسیری و فقهی تخصصی مطرح می‌شود؛ لذا جای مقاله مختصر و متقن در این خصوص خالی است. نویسنده درصدد آن است که با روش توصیفی و محیط کتابخانه‌ای چگونگی حرمت رضاعی را از نگاه مفسران و فقهای فریقین بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: نکاح، رضاع، شرایط رضاع، حرمت رضاعی، شیر خوردن.

* دانش‌پژوه دکترای تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفیٰ العالمیه - مجتمع آموزش عالی مشهد

قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره نساء می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ ... أُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ﴾ (نساء/۳۳) «حرام شده است بر شما، مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما» در این آیه شریفه مادر و خواهر رضاعی را نام می‌برد که نکاح و ازدواج با آن‌ها حرام است؛ اما آنچه در فقه و فتوا بیان گردیده هفت زن به سبب رضاع حرام می‌شوند که حرمت دیگر نسب‌ها از حدیث و اخبار به‌ویژه حدیث نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» استنباط می‌شود. این حدیث باید بررسی شود که از حیث سند و مقبولیت در چه میزان است؟ آیا روایات دیگری آن را تأیید می‌کند؟ آیا روایات دیگری مخالف آن نیست؟ آیا فقها و مفسران در این مسئله باهم اتفاق دارند؟ فتوای اهل سنت با فتوای مراجع شیعه چه تفاوتی دارد؟ آیا نسبت و اضافه حاصل از رضاع، در مقایسه با نسبت ناشی از ولادت، در نشر حرمت و آثار فقهی و حقوقی یکسان است؟ این‌ها سؤالاتی هستند که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

هرچند پیرامون احکام رضاع در ابواب فقه رساله‌های مستقل و مباحث دقیق ضمنی به رشته نگارش درآمده و محققان معاصر نیز به این مهم توجه نموده‌اند، از جمله: «محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن»، «قطب‌الدین رواندی، ق، ۱۴۰۵، فقه القرآن»، «محقق حلّی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۰۸ هـ ق» «علامه حلّی، ۱۴۱۳ هـ ق قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام» «شیرازی، سید محمد ۱۴۱۳ هـ ق، الفقه، القواعد الفقهیه» «شیرازی، زنجانی، ۱۴۱۹ هـ ق کتاب نکاح» «مراغی، ۱۴۱۷ هـ ق العناوین الفقهیه» «بخجوردی، ۱۴۱۹ هـ ق القواعد الفقهیه»، «مقداد حلّی، سیوری ۱۴۲۵ هـ ق، کنز العرفان فی فقه القرآن» «خواجه‌سوی، ۱۴۲۶ هـ ق، رساله رضاعیه». بالاین وجود، چنین به نظر می‌رسد که جای مقاله‌ای مختصر و دور از اصطلاحات فقهی و اصولی که قابل‌درک برای اکثریت باشد و بتواند سؤال‌های مطرح‌شده را به‌آسانی پاسخ گوید، خالی است؛ لذا نویسنده در این مقاله بعد از مفهوم‌شناسی، در سه محور ۱. ادله قاعده رضاع، ۲. شرایط رضاع، ۳.

کیفیت و احکام رضاع را از منظر تفاسیر و کتب معتبر فقهی بررسی و پاسخ‌های متقن، مختصر و قابل فهم برای اکثریت پرسشگران این مسئله تدوین نموده است.

۱. مفهوم شناسی

الف. رضاع در لغت

رضاع از ثلاثی مجرد «رَضِعَ، يَرْضَعُ» و از «رَضِعَ، يَرْضَعُ رَضَاعاً و رَضَاعَةً» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۹) و لغت پژوهان معانی ذیل را برای آن ذکر کرده‌اند:

- کودک را شیر دادن. (همان)
- مکیدن شیر مادر توسط کودک. (ابن فارس، ج ۲: ۴۰۰)
- شیر خوردن کودک از پستان مادر. (هروی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۸۶۶؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۶۶۵)
- نوشیدن شیر از پستان آدمی و گاو و گوسفند و مانند آن. کشف اصطلاحات (الفنون)
- مکیدن شیر از پستان و مطلق شرب شیر اعم از شیر حیوان و انسان. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۱۹)

ب. رضاع در اصطلاح

هرگاه کودکی از پستان زنی شیر بنوشد، با او نسبتی پیدا می‌کند که «بنوت» نامیده می‌شود و زن نیز با کودک رابطه و نسبت «امومت» پیدا می‌کند و رضاع مانند ولادت، باعث ایجاد نسبتی بین دو نفر یا بیشتر می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۱۷)

ج. قاعده رضاع

رضاع مانند ولادت موجب اضافه نسبت بین دو شخص یا اشخاص می‌شود. اضافه بر دو قسم است: اعتباریه و حقیقیه؛ اگر نسبت طرفین از یک سنخ باشد «متشابه الاطراف»

نامیده می‌شود؛ مثل یک جسم کنار جسم دیگر. اگر نسبت دو طرف از یک سنخ نباشد «مخالف الاطراف» نامیده می‌شود؛ مثل فوقیت و تحتیت.

اگر این نسبت فقط به اعتبار عقلا و امضاء شارع باشد؛ مانند زوجیت و ملکیت؛ اضافه اعتباری می‌شود؛ اما اگر این نسبت در خارج هم باشد؛ مانند فوقیت و تحتیت، اضافه حقیقی می‌شود. ولادت که ابتدا جدائی قطعه منی مرد و استقرار آن در رحم زن است که به امر خدا تبدیل به انسان می‌گردد و حین ولادت از آن جدا می‌شود؛ نسبت بین آن‌ها نسبت نبوت، ابوت و امومت (نسبت بین فرزند با پدر و مادر) و حقیقی است و هم‌چنین سایر عناوین مثل جد و جده و عم و عمه و خال و خاله و پسر برادر و دختر برادر، پسر خواهر و دخترخواهر، پسرعمو و دخترعمو، پسرعمو و دخترعمو، پسرخاله و دخترخاله و در برخی مانند نسب، سبب تحریم نکاح می‌شود و در این امور رضاع مانند نسب است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۲۱) در برخی آثار نسبت حاصل از ولادت «مانند ارث و نفقه» در نسبت حاصل از رضاع ایجاد نمی‌شود؛ (حلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۴۴؛ مراغی، ۱۴۱۷ ق ج ۲: ۷۵۵) زیرا امکان دارد این امر به علت جعل شارع باشد، بدون اینکه این دو نوع نسبت، از حیث شدت و ضعف با یکدیگر اختلافی داشته باشند؛ در قرابت رضاعی، طفلی که شیر زن دیگری را خورده، «مرتضع» و زن شیر دهنده «مرضعه» و شوهر نیز «فحل» و یا «صاحب اللبن» نامیده می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۰۱)

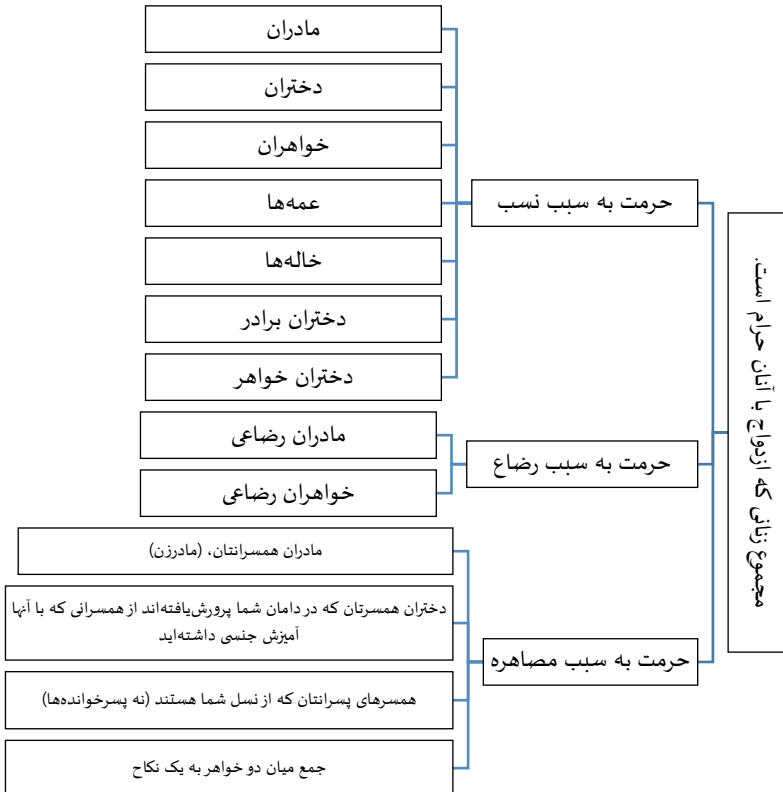
۲. ادله قاعده رضاع

الف. قرآن کریم

اولین دلیل این قاعده قرآن کریم است که می‌فرماید: \square حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ حَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَ أَنْ يَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً \square : (نساء/۲۳) «حرام شده است بر شما،

مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آن‌ها آمیزش جنسی داشته‌اید (چنانچه با آن‌ها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آن‌ها) برای شما مانعی ندارد) و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چراکه خداوند، آمرزنده و مهربان است.»

در شرع اسلام به نصّ قرآن کریم مجموع زنانی که حرام شده‌اند سیزده نفرند که در نمودار ذیل به آن اشاره شده است:



پس مجموع زنانی که به نصّ قرآن حرام شده‌اند؛ سیزده نفرند. سوّالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا الفاظ، اثبات‌کننده‌ای نسبت، در آیه مورد بحث مانند مادر، دختر، خواهر، عمّه و خاله و... وضع شده برای جامع که شامل نسب و رضاع باشد؛ در نتیجه همان‌گونه که حرمت نسبی عناوین هفت‌گانه: مادران و دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر، ثابت می‌شود، حرمت رضاعی هم ثابت شود؟ یا آن که این الفاظ مشترک لفظی است؟ احتمال آخر اینکه این عنوان‌ها در نسب حاصل از ولادت، حقیقت و در نسب ناشی از رضاع، مجاز است؛ بنابراین، تحریم نسب حاصل از رضاع به دلیل دیگری نیازمند است و آیهٔ تحریم نکاح بر این مطلب دلالت ندارد؛ زیرا بسیاری از علما و فقها استفاده لفظ در اکثر از معنا را جایز نمی‌دانند؛ در نتیجه حرمت رضاعی جز دو مورد ۱. مادران رضاعی ۲. خواهران رضاعی از آیه استفاده نمی‌شود؛ لذا برای اثبات حرمت سایر موارد نیازمند دلیلی خارج از آیات قرآن هستیم. با توجه به این که عرف هم این الفاظ را برای حرمت رضاعی به کار نمی‌برند؛ (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۲۲) لیکن به اتفاق علمای اسلام و اخبار بسیاری به‌ویژه حدیث نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» آنچه به نسب حرام باشد به رضاع نیز حرام است؛ بنابراین، مادر، دختر، خواهر، عمّه، خاله، برادرزاده و خواهرزادهٔ رضاعی نیز حرام‌اند.

ب. اجماع

دومین دلیل بر قاعده رضاع، اجماع است. مرحوم آقابزرگ در القواعد الفقهیه این قاعده را جزء ضروریات دین می‌داند و معتقد است که هیچ اختلافی در این مسئله بین مسلمین نیست؛ البته اختلاف در شرایط تحقق رضاع است که برخی به رضیع، مرتضع، مدت رضاع و کیفیت رضاع بستگی دارد. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۲۳)

ج. روایات

سومین دلیل بر قاعده رضاع روایات متعددی است که در این زمینه وارد شده است؛ در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. مهم‌ترین حدیث در تأیید قاعده رضاع که مورد استناد قرار گرفته است، حدیثی از رسول اکرم است که شیعه و سنی آن را روایت کرده‌اند. حضرت در این باره فرمودند: **يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ**؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۷) «آن‌هایی که در نسب حرام هستند در رضاع نیز با مراعات شرایط حرام هستند.»

۲. حدیث دیگری را عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: **... سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الْقَرَابَةِ**؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۷) «... همان افراد که به واسطه خویشاوندی حرام می‌شود به واسطه شیر دادن نیز حرام می‌شود.» در این روایت مقصود از قربت، همان نسب است.

۳. روایتی هم از امام رضا علیه السلام است که راوی می‌گوید: از امام علیه السلام سؤال کردم: **عَنِ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ جَارِيَةً وَ لَبَّسَتْهَا ابْنٌ مِنْ غَيْرِهَا أَيْحِلُّ لِلْغُلَامِ ابْنِ زَوْجِهَا أَنْ يَتَزَوَّجَ الْجَارِيَةَ الَّتِي أَرْضَعَتْ فَقَالَ اللَّبَنُ لِلْفَحْلِ**؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق ج ۵: ۴۴۰) «از زن که دختر را شیر داده و برای شوهر زن پسری غیر از زن شیر دهنده است آیا آن پسر می‌تواند با این دختر ازدواج نماید؟ امام علیه السلام فرمود شیر از شوهر است؛ یعنی این دو خواهر و برادر رضاعی هستند.»

۴. از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که می‌فرماید: **لَوْ أَنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَ جَارِيَةً رَضِيعًا فَأَرْضَعَتْهَا امْرَأَتُهُ فَسَدَّ نِكَاحَهُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةِ رَجُلٍ أَرْضَعَتْ جَارِيَةً أَ تَصْلُحُ لَوَلَدِهِ مِنْ غَيْرِهَا قَالَ لَا قُلْتُ فَنَزَلَتْ بِمَنْزِلَةِ الْأُخْتِ مِنَ الرِّضَاعَةِ قَالَ نَعَمْ مِنْ قِبَلِ الْأَبِ**؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۴۰) «اگر مردی دختر شیرخوار را به نکاح خود درآورد وزن آن مرد دختر شیرخوار را شیر دهد نکاح مرد با زنش فاسد می‌شود (زن می‌شود مادر رضاعی زن دوم) را وی می‌گوید سؤال کردم در مورد مرد که زنش دختری را شیر داده آیا این دختر برای پسر آن مرد که غیر از این همسرش هست جایز است امام علیه السلام فرمود: خیر عرض کردم آیا به منزله خواهر رضاعی او است؟ فرمود بله از جانب پدر»

۵. همچنین در روایت دیگر حلبی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: **بِ رَجُلٍ تَزَوَّجَ جَارِيَةً صَغِيرَةً فَأَرْضَعَتْهَا امْرَأَتُهُ أَوْ أُمُّ وَلَدِهِ قَالَ يَحْرُمُ عَلَيْهِ**؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۴۵) «امام

صادق علیه السلام در مورد مردی که دختر شیرخواری را به نکاح خود درآورده و همسرش یا کنیزش او را شیر داده است، فرمود بر او حرام می‌شود.»

ظهور فی الجمله این دو روایت در این است که فقط صغیره حرام می‌شود؛ زیرا ضمیر تشبیه به کار نبرده است؛ اما اینکه حکم کبیره چیست؟ روایت درباره آن ساکت است؛ بنابراین، ممکن است، در بعضی صور حرام باشد و در بعضی صور حلال، زیرا کبیره را نمی‌توان در تمام صور به‌عنوان «امّ الزوجه» حرام دانست؛ مثلاً اگر شیر، شیر این مرد نباشد کبیره حرام نمی‌شود و ممکن است سائل تکلیف کبیره را می‌دانسته که حرام هست؛ ولی درباره صغیره شک داشته است. در این صورت، جواب حضرت منافات با حرمت هردوی آنها ندارد. در این فروض «امّ الزوجه» مطلقاً حرام است و دختر زوجه نیز اگر دختر زوجه مدخوله باشد یا شیر، شیر همین شوهر باشد حرام می‌گردد. (زنجانی، ۱۴۱۹ ق: ج ۱۵: ۵۰۸۱)

بررسی روایات

اغلب روایات رسیده در این باب وافی و کافی به جمیع آنچه به سبب رضاع حرام می‌شود، نیست؛ مگر روایت رسول خدا که می‌فرماید: «يَتْرُكُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَتْرُكُ مِنَ النَّسَبِ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۷) که این کلام شریف جمیع موارد رضاع را شامل است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۲۹)، بر اساس این روایت هفت عنوان که در نسب ازدواجشان حرام است، در رضاع نیز حرام است.

۳. شرایط رضاع

الف: مدت رضاع

رضاع قبل از دوسالگی طفل باید صورت گیرد. شیر خوردن طفل پس از دوسالگی، موجب حرمت نمی‌شود؛ یعنی نه زن شیر دهنده و شوهرش، پدر و مادر رضاعی طفل محسوب می‌شوند و نه در مورد انتساب‌های دیگر حرمتی ایجاد می‌شود؛ زیرا حدیثی از حضرت صادق علیه السلام وجود دارد که ایشان فرمودند: لَا رَضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْفِطَامُ قَالَ الْحَوْلَانِ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۴۳) «حرمت رضاعی بعد از فطام ایجاد

نمی‌شود، راوی می‌گوید: گفتم فدایت شوم فطام چیست؟ فرمود دوسالگی.» صاحب جواهر در این مورد می‌گوید:

از کلمات بسیاری از فقها استنباط می‌شود که دو سال مذکور، نه فقط شرط مرتضع است؛ بلکه علاوه بر آن معتبر است که از سنّ کودک مرضعه نیز بیش از دو سال نگذشته باشد. (حسینی شیرازی، ۱۴۱۳ ق: ۲۱۱)

به این نکته هم باید توجه کرد که علاوه بر روایت، بر این مسئله اجماع نیز وجود دارد. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۷۰)

ب: مقدار رضاع

بر اساس فقه امامیه مسمای رضاع کفایت نمی‌کند و فقهای شیعه برای رضاع مدت‌زمانی را معتبر می‌دانند و آنچه مشهور است، در مدت رضاع سه امر است:

۱. اثرگذاری: ارتضاع بر جسم طفل اثر بگذارد؛ یعنی گوشت بروید و استخوان محکم

شود. مستند این قول روایات است که به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

- امام صادق علیه السلام فرمودند: لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۸) «حرمت رضاعی ایجاد نمی‌شود مگر گوشت بروید و استخوان محکم شود.»

- همچنین در روایت دیگری فرمودند: لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۸) «حرمت رضاعی ایجاد نمی‌شود مگر گوشت بروید و خون افزایش یابد.»

- ابن سنان می‌گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: یک‌بار، دو بار یا سه بار شیر خوردن حرمت رضاعی می‌آورد، فرمود: فَقَالَ لَا إِلَّا مَا اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَظْمُ وَ نَبَتَ اللَّحْمُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۹) «خیر! مگر آنکه استخوان محکم شود و گوشت بروید.»

۲. شیر خوردن یک‌شب و یک روز متوالی: دفعات شیر خوردن باید پیوسته و

متوالی باشد و نباید بین آن‌ها غذای دیگر و یا شیر زن دیگری به طفل داده شود. در مورد

شرط توالی، اختلافی بین فقها نیست. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۰۹) اگر از یک شبانه‌روز کامل شیر خوردن که ملاک زمانی حرمت است؛ برای مثال از یک زن یک روز و از دیگری یک‌شب شیر بخورد؛ به طوری که در مجموع یک شبانه‌روز کامل بشود، نیز حرمت به وجود نمی‌آید. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۱۱)

۳. شیر خوردن طفل از مادر به مدت ۱۰ یا ۱۵ مرتبه: علامه حلی در

«مختلف الشیعه» می‌نویسد:

شیخ مفید، سید مرتضی، سلار، ابن برآج، أبو الصلاح، ابن حمزه و ابن إدريس ده مرتبه توالی را معتبر می‌دانند. شیخ طوسی در النهایه و المبسوط پانزده مرتبه را معتبر می‌داند و ده مرتبه اظهر است؛ زیرا مقتضای اصول مذهب است؛ زیرا رضاع شامل قلیل و کثیر می‌شود و برخی از اصحاب حرمت رضاعی را به قلیل و کثیر قائل‌اند و ما ده مرتبه را معتبر می‌دانیم. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۷: ۲۹)

فاضل مقداد در کنز العرفان می‌نویسد:

در ارتضاع یا گوشت بروید و استخوان محکم شود، یا رضاع یک روز و یک‌شب صورت گیرد، یا ۱۵ مرتبه تحقق یابد و نزد اکثر علما پانزده مرتبه معتبر است. (سیوری حلی، ۱۴۲۵ هـ ق ج ۲: ۱۸۳)

مرحوم نوری در مستدرک الوسائل درباره دیدگاه خود در این زمینه می‌نویسد:

روایت مشهور پانزده مرتبه یا یک‌شب و یک روز را معتبر می‌داند. (محقق حلی، ۱۴۰۸

ج ۲: ۲۲۶)

آخوند خراسانی، در کتاب «الرضاع» می‌نویسد:

۱۵ مرتبه معتبر است. (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ ق: ۱۳)

فخرالمحققین می‌نویسد:

مشهور بین متأخرین ۱۵ مرتبه است. (حلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۴۷)

شهید ثانی در «روضه» می‌نویسد:

مشهور بین متأخرین ۱۵ مرتبه است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵: ۱۶۰)

محقق داماد می‌نویسد:

مطابق نظریه که بین فقهای متأخر مقبولیت و شهرت بیشتری دارد، دفعات شیر خوردن باید ۱۵ بار باشد. مستند این نظریه، صحیحۀ علی بن رثاب و موثقه زیاد بن سوجه و عبید بن زراره است که به صراحت بر این امر دلالت دارد که پانزده مرتبه شیر خوردن متوالی، موجب حرمت می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق ج ۲: ۲۰۹)

بجنوردی در «القواعد الفقهیه» می‌نویسد:

شیخ مفید، معانی، سلار، قاضی، ابن حمزه، العلامه در مختلف، شهید در لمعه قول به ده مرتبه را معتبر می‌دانند مستندشان بعد از اطلاعات، روایات باب است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق ج ۴: ۳۵۹)

ایشان در ادامه باین روایت اعتبار ۱۵ مرتبه در تحقق رضاع، می‌گوید:

قول ۱۰ مرتبه موافق عامه است برخلاف قول ۱۵ مرتبه که احدی از آن‌ها به آن قائل نیستند و ممکن است صدور روایات ۱۰ مرتبه از باب تقیه باشد؛ زیرا در روایت راوی از امام علیه السلام سؤال می‌کند: فَهَلْ يُجْزِمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ فَقَالَ دَعْ ذَا وَ قَالَ مَا يُجْزِمُ مِنَ النَّسَبِ فَهُوَ مَا يُجْزِمُ مِنَ الرِّضَاعِ؛ آیا ۱۰ مرتبه برای تحقق رضاع کفایت می‌کند؟ امام علیه السلام فرمودند این مطلب را رها کن آنچه به نسب حرام می‌شود، به وسیله رضاع حرام می‌گردد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۴۰) باین وجود قول به ۱۰ مرتبه مستند ندارد که بتوان به آن اعتماد نمود و چون امر دایر بین دو قول است. وقتی ۱۰ مرتبه تضعیف شد، یک قول (۱۵ مرتبه) می‌ماند. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ه ق ج ۴: ۳۶۳)

در نتیجه باید گفت که اقوال اعتبار حرمت رضاع به ۱۵ مرتبه مؤید روایات و نظر اکثر فقهای شیعه است.

دیدگاه اهل سنت

فخر رازی ذیل آیه ۲۳ سوره نساء می‌نویسد:

شافعی قائل است که پنج مرتبه رضاع حرمت می‌آورد و ابوحنیفه یک مرتبه را محرم می‌داند. (مفاتیح الغیب، ج ۱۰: ۲۷) (سیوری حلّی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ۱۸۳) (علامه حلّی، بی تا، ج ۷: ۳۴)

بجنوردی در «القواعد الفقهیه» در این باره می‌گوید:

ابوحنیفه، مالک، اوزعی، ثوری، بلخی و لیث و عده‌ای دیگر قائل‌اند که مسمای رضاع در نشر حرمت کفایت می‌کند و دلیل می‌آورند آیه شریفه را که می‌فرماید: **وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ** («و رضاع واقع می‌شود بر قلیل و کثیر». (بجنوردی، ۱۴۱۹ هـ ق ج ۴: ۳۴۴)

قطب‌الدین راوندی نیز دیدگاه خود را چنین تبیین می‌کند:

شافعی پنج مرتبه را موجب نشر حرمت می‌داند و توالی را هم معتبر نمی‌داند شافعی این قول را به خاطر روایت عایشه که می‌گوید ۱۰ مرتبه نسخ شد و پنج مرتبه موجب حرمت می‌شود، انتخاب نموده و ابوحنیفه به قلیل و کثیر ارتضاع قائل به حرمت است. (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۸۹)

۳. کیفیت رضاع

الف. شیر خوردن کامل

سؤال این است که آیا ۱۵ مرتبه شیر خوردن شرط تحقق رضاع است یا مسمای رضاع کفایت می‌کند؟ همه محققان برآنند که شیر دادن باید کامل باشد؛ یعنی تا طفل پستان شیر دهنده را رها نکرده، نباید مانعی صورت گیرد و هر وقت میل به ارتضاع داشت، باید در اختیار او باشد؛ البته اگر در حین شیر خوردن، طفل پستان مادر را به فرض برای نفس کشیدن رها کند، اشکالی ندارد؛ زیرا، منظور این است که این امر توسط دیگری، اعم از مادر رضاعی و یا دیگران، صورت نگیرد. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق ج ۲: ۲۰۹) اینکه کمال رضاع چگونه محقق می‌شود؛ فخر المحققین می‌گوید:

کمال رضاع عرفی است؛ یعنی همین که از نظر عرف بگویند، طفل شیر را کامل خورده کافی است. (حلی، فخر المحققین، ۱۳۸۷ ق ج ۳: ۴۶)

اگر در بلوغ رضاع به حد نصاب شک حاصل شود، حکم به حرمت و محرمیت نمی‌شود. (دزفولی، بی تا: ۱۹۶) بجنوردی در القواعد الفقهیه معتقد است که توالی رضعات به این معنا است که شیر زنی دیگری فاصله نشود. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۶۵)

ب. شیر حاصل از حمل مشروع

طبق این شرط اگر زنی بدون نکاح، شیر داشته باشد و یا آنکه از راه آمیزش غیر شرعی شیردار شود، حرمت ایجاد نخواهد شد. دلیل عمده این شرط روایتی از امام باقر (ع) و از امام صادق (ع) است که فرموده‌اند: «لَبَنُ الْحَرَامِ لَا يُحَرِّمُ الْحَالَالَ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۲۴۳؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴: ۳۷۴) مطابق این شرط، برای تحقق رضاع، زن باید به شکل شرعی ازدواج کرده باشد و علاوه بر آن در اثر داشتن حمل و زاییدن فرزند دارای شیر شده باشد؛ (حلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۰۴۴). اما ابوحنیفه معتقد است که شیر حاصل از زنا نیز موجب قرابت رضاعی و حرمت نکاح می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۰۶)

این نظریه، فتوای مشهور فقهای امامیه است؛ بجنوردی در القواعد الفقهیه می‌گوید: اجماع ادعاشده مدرک ندارد و تنها دلیل اینکه شیر حاصل از فجور نمی‌تواند، سبب حرمت شود؛ روایتی است که می‌فرماید: لَبَنُ الْحَرَامِ لَا يُحَرِّمُ الْحَالَالَ. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق ج ۴: ۳۳۸) عده‌ای از فقها نیز معتقدند زن شیر دهنده لزوماً باید وضع حمل کرده باشد و چنانچه به‌صرف بارداری شیردار شده باشد، رضاع موجب نشر حرمت نمی‌شود؛ اما گروهی دیگر عقیده دارند، بارداری کافی است. در اینکه باردارشدن زن باید با مباشرت و از طریق مقاربت اصطلاحی باشد و یا اینکه این امر از هر طریق که حاصل شود کافی است، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ برای مثال، امروزه لقاح مصنوعی نیز موجب حمل می‌شود؛ بدین معنی که نطفه مرد به طریقی غیر از مقاربت و با روش‌های پزشکی در رحم زن قرار می‌گیرد و حمل منعقد می‌شود. حال باید پرسید این مورد نیز مشمول شرط اول است یا خیر؟ محقق داماد به نقل از صاحب جواهر در این باره می‌گوید:

اطلاقات ادله اقتضا می‌کند که دلایل مذکور این مورد را نیز شامل باشد؛ پس درست‌تر این است که تکون ولد از نطفه مرد، معیار قرار داده شود، به‌طوری که ولد به شوهر قانونی منتسب باشد. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۰۶)

ایشان برای تثبیت مطلب و دفع ایرادات می‌افزاید:

اگر در عبارات اصحاب امامیه کلمه «وطی» آمده است، بیشتر به اعتبار غلبه است؛ نه اینکه شرط باشد که حتماً و فقط آمیزش و «وطی» صورت گرفته باشد، به طوری که غیر از مورد «وطی» بقیه موارد را خارج سازد. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۰۶)

به این ترتیب استعمال کلمه «وطی» که غالباً در عبارات دیده می‌شود؛ به این علت است که انعقاد نطفه به طور متعارف و معمول از طریق آمیزش اصطلاحی ایجاد می‌شود؛ ولی این روش، خصوصیتی ندارد و حصری نیست. در نشر حرمت و سببیت تحریم، اینکه زن شیر دهنده هنگام رضاع در نکاح مرد باشد، شرط نشده است؛ بلکه اگر زن در زمان بارداری یا بچه شیر دادن مطلقه باشد، یا شوهرش مرده باشد و بچه بعد از طلاق یا مرگ شوهر شیر بخورد، در این حالت هم شیر دادن موجب حرمت است و مانند موردی است که شوهر زنده باشد. این مسئله مبتنی بر اجماع فقها نیز هست. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۰۶)

ج. ارتضاع به طریق معمول

این شرط بدین معنا است که رضیع شیر را از پستان مرضعه بیاشامد، نه ریختن در حلق یا رساندن در معده طفل با اسباب پزشکی و این شرط در هر یک از این سه قسم از رضاع محرم ملحوظ است؛ پس اگر به مکیدن از پستان نیاشامد، رضاع مطلقاً محقق نمی‌شود. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۶۷؛ دزفولی، رساله رضاعیه: ۱۹۵) بر پایه این شرط، اگر بچه با مکیدن، شیر نخورده باشد و برای مثال شیر را در دهانش چکانده باشند و یا با وسیله دیگری مثل شیشه به طور غیرمستقیم شیر خورده باشد، حرمت ایجاد نمی‌شود. (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۲۱۰)

این حکم مطابق نظریه مشهور فقهاست که گفته‌اند کلمه «ارتضاع» که از باب افتعال است و در نصوص آمده، اقتضای چنین مفهومی را دارد. (یزدی، بررسی فقهی حقوق خانواده، ۷۲)

د. ارتضاع از یک زن

به موجب این شرط، اولاً طفل باید همه پانزده دفعه را فقط از یک زن شیر بخورد؛ بنابراین، هرگاه مردی دو زن داشته باشد و طفل مرتضع از یک زن ۷ بار و از دیگری ۸ دفعه

شیر بخورد، حرمت ایجاد نمی‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۶۵؛ دزفولی، رساله رضاعیه، ۱۹۶) اگرچه شوهر آن دو زن یکی باشد و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد، آن پسر با آن دختر، برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آن‌ها از این حیث ممنوع نیست. (یزدی، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص ۶۹) مگر به قول شیخ طبرسی که در نشر حرمت بین المرتضعین اتحاد فحل را شرط ندانسته، اکتفا به مجرد اتحاد مرضعه نمود. (مازندرانی، ۱۴۲۶ ق: ۴۷۴)

۵. ارتضاع از زن زنده

مقدار شیری که طفل پس از فوت زن ارتضاع می‌کند، اثری در نشر حرمت و ایجاد قرابت رضاعی ندارد. این حکم، مطابق نظریه بسیاری از فقهای امامیه است. به عقیده این گروه، لفظ «رضاع» در آیه و روایت، برحسب تفاهم عرفی، در ارتضاع از زنده ظهور دارد؛ بنابراین، فقط این نوع ارتضاع موجب حرمت می‌شود و دلیلی بر ایجاد حرمت از طریق ارتضاع از میت وجود ندارد. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۶۷)

۶. خالص بودن شیر

شیر خالص باشد؛ یعنی کمک غذائی نداشته باشد؛ پس اگر ممزوج باشد نشر حرمت نمی‌کند و بعضی در تحقق رضاع صحت مزاج طفل و بقاء شیر در معده را، معتبر می‌دانند. (دزفولی، رساله رضاعیه، ص ۱۹۶)

۴. احکام رضاع

الف: قرابت رضاعی بین دو طفل هم شیر

زمانی که رضاع شرعی، با شرایط که بیان گردید، محقق شد؛ حکم حرمت نکاح ثابت می‌شود. اگر شک در عدد ۱۵ صورت گیرد یا آن که شک شود، در اینکه آیا زمان شیردهی در

مدت ۲ سال بوده یا آنکه بعد از دو سال محقق شده، اصل اباحه باقی است و حرمت منتفی می‌گردد. (حلی، ۱۳۸۷ ق ج ۳: ۴۹؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۲۲۴)

بنابراین، آنچه گفته شد، مطابق حدیث نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و سایر روایات مربوط به رضاع، حرمت ناشی از رضاع به موازات حرمت حاصل از نسب است. با توجه به این روایت، مادر رضاعی و مادر او بر طفل مرتضع حرام است و همچنین هر کس که نسب او به صاحب شیر برسد و نیز سایر بستگان زن شیر دهنده مانند خواهر، برادر، پدر، پسر و نیز دختر مرضعه که خواهر رضاعی طفل مرتضع می‌شوند، بر طفل حرام خواهند شد. به‌علاوه، همان‌طور که گفته شد، اگر دو طفل با شرایط فوق از یک زن شیر بخورند با یکدیگر برادر و خواهر رضاعی می‌شوند و بر یکدیگر حرام هستند. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۱۵)

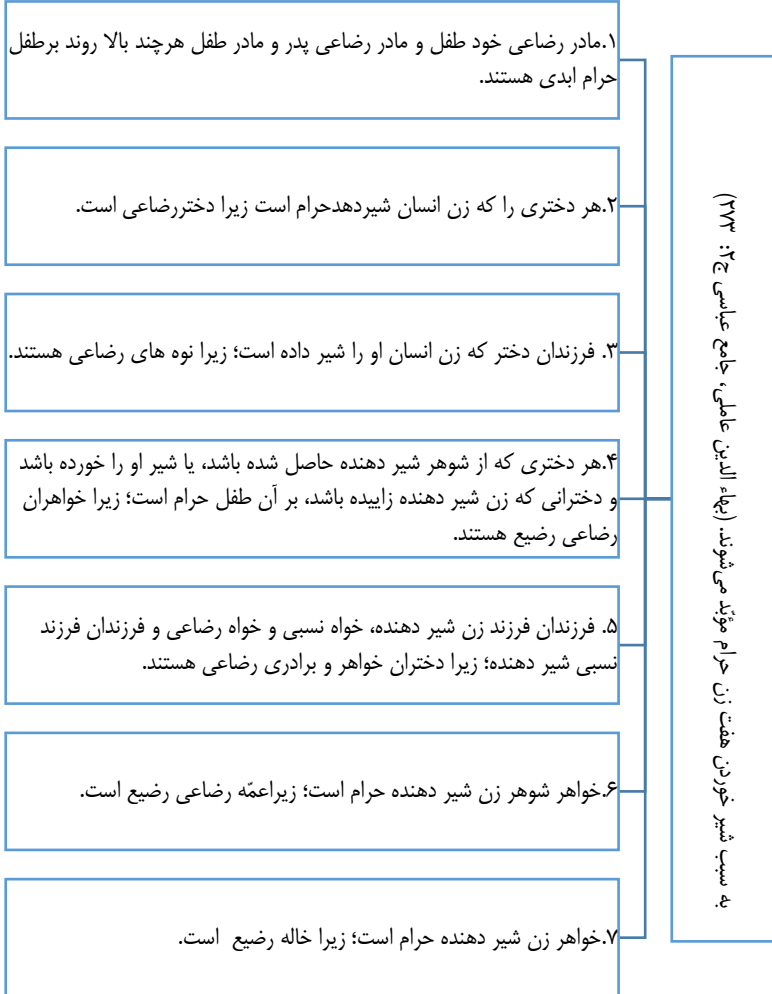
مشهور فقهای امامیه در تحقق قرابت رضاعی بین دو طفل، واحد بودن فعل را شرط دانسته‌اند و در غیر این صورت، هیچ‌گونه قرابت رضاعی یا حرمت نکاح را محقق نمی‌دانند؛ هرچند زن واحد باشد.

به‌موجب نظریه مشهور، اتحاد فعل در مورد قرابت رضاعی بین دو طفل، هم شرط لازم است و هم شرط کافی؛ یعنی هرگاه زنی از شیر متعلق به یک شوهر پسری را با شرایط کامل شیر دهد و دختری را نیز با شرایط کامل از شیر متعلق به شوهر دیگری شیر بدهد، بین آن دو طفل قرابت رضاعی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا ملاک تحقق قرابت رضاعی بین دو طفل، اتحاد فعل است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۲۲۹) از طرفی هرگاه از میان دو زن که در حباله شوهر واحدی هستند، یکی پسری را و دیگری دختری را طبق شرایط شیر دهد، با توجه به اینکه شیر دهندگان متعدد هستند؛ اما به دلیل واحد بودن فعل، بین آن دو طفل قرابت رضاعی ایجاد می‌شود. مستند این نظریه، عقیده مشهور فقها و روایاتی است که این حکم از آن‌ها استنباط می‌شود.

در مقابل نظریه مشهور، ابوعلی طبری، نویسنده تفسیر مجمع‌البیان معتقد است که در این مورد، اتحاد فعل شرط لازم نیست؛ بلکه اگر زن واحد باشد، به فرض تعدد شوهران، بازهم قرابت رضاعی به وجود می‌آید و موجب حرمت نکاح خواهد شد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق،

ج ۵: ۱۶۶) به موجب این نظریه، اگر زنی با شیر متعلق به یک شوهر، دختری را و با شیر متعلق به شوهر دیگر، پسری را شیر دهد، این دو طفل قرابت رضاعی پیدا می‌کنند و ازدواج بین آن‌ها حرام می‌شود. مستند نظریهٔ ابوعلی طبرسی، عموماتی است که در مورد رضاع وجود دارد؛ از جمله روایت مذکور از رسول اکرم که فرموده‌اند: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» که با توجه به آن، چون طبق قاعدهٔ حاکم بر نسب، بین اولاد متعدد یک زن که از شوهران متعدد باشند، قرابت نسبی به وجود می‌آید و از سوی دیگر، قواعد حاکم بر نسبت عیناً بر رضاع نیز حاکم است، بین دو طفلی که از مادر واحدی شیر خورده‌اند، قرابت رضاعی به وجود می‌آید و موجب حرمت نکاح می‌شود. شهید ثانی پس از بیان دو نظریه مذکور می‌گوید: نظریه مرحوم طبرسی، قطع نظر از نصوص وارد در این مورد، کاملاً موجه و منطقی است؛ ولی از نصوص وارد شده استنباط می‌شود که در نشر حرمت بین دو مرتضع اتحاد فعل ضروری است و از نظر اصول فقه، نسبت این نصوص به عمومات (روایت فوق)، نسبت خاص به عام است؛ بنابراین، چاره‌ای جز تخصیص نیست و با توسل به تخصیص درمی‌یابیم که هر چند نسب و رضاع از حیث ایجاد حرمت یکسان‌اند؛ ولی برای آنکه بین دو مرتضع قرابت رضاعی به وجود آید، صاحب‌اللبن باید واحد باشد وگرنه قرابت رضاعی ایجاد نمی‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵: ۱۷۰؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۱۴)

ب: محارم رضاعی



به سبب شیر خوردن هفت مرد حرام مؤبد می‌شوند. (بهاء الدین عاملی، ج ۲: ۱۷۴)

۱. شوهر زن شیر دهنده بر دختری که شیر خورده باشد، حرام مؤبد است؛ زیرا پدر رضاعی است.

۲. پسری که شیر شیر دهنده را خورده باشد، حرام مؤبد است؛ زیرا پسر رضاعی آن زن است.

۳. پسرانی که از آن شیر رضیع بهم رسند، بر زن شیر دهنده حرام است زیرا نوه های رضاعی او هستند.

۴. پسر نسبی و رضاعی شوهر شیر دهنده و نسبی شیر دهنده بر دختر طفل که شیر خورده حرام است؛ زیرا آنها برادران رضاعی آن دختراند.

۵. فرزند و فرزند رضاعی و نسبی شوهر شیر دهنده حرام است؛ زیرا آنها پسران برادر و خواهر رضاعی هستند.

۶. برادر شوهر شیر دهنده بر دختر که شیر خورده حرام است زیرا او عموی رضاعی آن دختر است.

۷. برادر زن شیر دهنده که می شود، دائی آن دختر است.

هرگاه دو زن درحالی که در حباله شوهر واحدی هستند، یکی از آنان پسری را و دیگری دختری را طبق شرایط شیر دهند، با وجود تعدد زنان چون فحل واحد است، بین آن دو طفل قرابت رضاعی ایجاد می‌گردد. (یزدی، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص ۸۰)

افرادی که حرمت رضاعی پیدا نمی‌کنند:

- ۱. مادر رضاعی شیر دهنده و فرزندان رضاعی او که آن فرزندان غیر آن شیر دهنده باشند، همچنین عمّه و خاله رضاعی او و خواهر و دختر خواهر و دختر برادر رضاعی او بر شیر خورنده حرام نمی‌شوند.
- در حرام شدن اولاد رضاعی شیر دهنده بر پدر طفل که شیر خورده است، خلاف است؛ شیخ طوسی می‌گوید: حرام می‌شود؛ سایر محققین می‌گویند: حرام نمی‌شوند.
- خواهران و برادران آن طفل که از آن زن شیر نخورده باشند؛ می‌توانند که با دختران شیر دهنده و شوهر او ازدواج کنند؛ البته بعضی از مجتهدین این را نیز حرام می‌دانند. (جامع عباسی، ج ۲: ۲۷۴)
- هرگاه دو زن درحالی که در حبالة شوهر واحدی هستند، یکی از آنان پسری را و دیگری دختری را طبق شرایط شیر دهند، با وجود تعدّد زنان چون فحل واحد است بین آن دو طفل قرابت رضاعی ایجاد می‌گردد. (بررسی فقهی حقوق خانواده، ص: ۸۰)
- ۵. با توجه به نظریه مشهور اتحاد فحل در رابطه با قرابت رضاعی بین دو طفل هم شرط لازم است و هم شرط کافی؛ یعنی هرگاه زنی از شیر متعلق به یک شوهر پسری را با شرایط کامل و همچنین دختری را با شرایط کامل از شیر متعلق به شوهر دیگری شیر بدهد، بین آن دو طفل قرابت رضاعی ایجاد نمی‌گردد؛ چراکه ملاک اتحاد فحل است (بررسی فقهی حقوق خانواده، ص: ۸۱)
- ۶. با خواهر فرزند رضاعی از حیث نسب نمی‌شود ازدواج کرد؛ اما با خواهر رضاعی فرزند می‌شود، ازدواج نمود؛ زیرا در نسب مانع وطی مادر فرزند است در رضاع این مانع نیست. (زبدة البیان فی أحكام القرآن، ص: ۵۲۴)

➤ ۷. با مادر برادر نسبی نمی‌شود، ازدواج کرد. مانع وطی پدر است؛ زیرا مادر انسان می‌شود. در رضاع این مانع وجود ندارد. (زبدۃ البیان فی أحكام القرآن، ص ۵۲۴)

ج. رضاع مانع از نکاح

همان‌گونه که رضاع سابق مانع از نکاح لاحق است؛ همچنین رضاع لاحق مبطل نکاح سابق است؛ پس اگر کسی با رضیعه‌ای ازدواج کند و بعد از ازدواج کسی که شیر دادنش مبطل نکاح صغیره باشد، - مثل مادر یا خواهر ناکح یا زن خودش یا زن پدرش یا زن برادرش، در وقتی که شیر از آن پدر و برادر باشد - رضیعه منکوحه را شیر بدهد، آن نکاح فاسد می‌شود. (دزفولی، رساله رضاعیه، ص ۱۹۱)

د. اثبات رضاع

برای اثبات رضاع محرم بین رضیع و صاحب لبن و شیر دهنده دو شاهد یا یک شاهد و دو زن لازم است. محقق ثانی معتقد است که برای شهادت، چهار زن کفایت می‌کند. (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۲۶۶) شاهد باید نسبت به چهار مطلب تحمل شهادت نماید:

- اول: صاحب شیر را بشناسد.
- دوم: شاهد باشد که طفل پستان را گرفته و باید پستان مکشوف باشد تا آنکه که طفل غیر از پستان را نگرفته باشد.
- سوم: شاهد باشد که طفل شیر را می‌مکد.
- چهارم: اینکه حرکت دو لب و حلق رضیع حین شیر خوردن را مشاهده کند تا به قطع شهادت دهد که بین آن رضیع و صاحب شیر و شیر دهنده رضاع محرم واقع شده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ج ۲: ۲۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳: ۲۸)

نتیجه

یکی از مسائل مهم در جامعه دینی روابط دوسویه بین افراد اجتماع از جمله رعایت حلال و حرام بین زن و مرد است که از سوی شارع مقدس برای آن بایدها و نبایدهای قانونی و احکام شرعی بیان گردیده است که بر مبنای قانون الهی نکاح عده‌ای از زنان بر مردان حرام است که عامل این حرمت یا نسب بین افراد یا مصاهره و خویشاوندی یا رضاع و شیر خوردن فرد از مادر رضاعی است.

رضاع مانند ولادت موجب اضافه نسبت بین دو شخص یا اشخاص می‌شود، با این تفاوت که آثار نسبت حاصل از ولادت «مانند ارث و نفقه» در نسبت حاصل از رضاع ایجاد نمی‌شود. در شرع اسلام به نصّ قرآن کریم مجموع زنانی که حرام شده‌اند، سیزده نفرند که هفت نفر حرمت نسبی دارند و همین هفت مصداق حرمت رضاعی نیز هستند. دلیل این مطلب روایت متواتر نبوی و نقل اجماع از آقابزرگ در «القواعد الفقهیه» است. از جمله مباحث مهم در این مسئله شرایط و احکام رضاع است که به تفصیل بیان شد، تنها اختلاف بین فقهای شیعه در این است که برخی ده روز شیر خوردن را موجب نشر حرمت می‌دانند و اکثریت قائل‌اند که پانزده مرتبه شرط حرمت رضاعی است. از نظر مفتی‌های اهل سنت، شافعی قائل است که پنج مرتبه رضاع حرمت می‌آورد و ابوحنیفه یک مرتبه را محرم می‌داند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، ج ۲، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابوجیب، سعدی (بی تا)، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، ج ۲، دمشق: دار الفکر.
- بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ موسوی (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقہیة، قم: نشر الہادی.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ج ۲، تهران: اسلامی.
- تہانوی، محمدعلی بن علی (بی تا)، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: مکتبۃ لبنان ناشرون.
- جمعی از مؤلفان (بی تا)، مجله فقہ اهل بیت علیہم السلام، قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اهل بیت علیہم السلام، قم، (ج ۶-۵، ۱۱۷).
- حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق)، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۲، قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق)، قواعد الأحکام فی معرفۃ الحلال و الحرام، قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.

- حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، *شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۲۵ ق)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم: انتشارات مرتضوی.
- خراسانی، آخوند محمدکاظم بن حسین (۱۴۱۳ ق)، *کتاب الرضاع (للاخوند)*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دزفولی، مرتضی بن محمدامین انصاری (بی‌تا)، *رساله رضاعیه*، مصحح: ملا محمد یوسف استرآباد، قم: بی‌جا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، *مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: خسروی، غلامرضا، تهران: مرتضوی.
- راوندی، قطب‌الدین، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ ق)، *فقه القرآن*، ج ۲، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۱۹ ق)، *کتاب نکاح (زنجانی)*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۱۳ ق)، *القواعد الفقهیة*، بیروت: مؤسسه امام رضا علیه السلام.
- عاملی، بهاء‌الدین، محمد بن حسین (بی‌تا)، *جامع عباسی*، تهران: منشورات الفراهانی.

— عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم: کتاب فروشی مفید.
— عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة
الدمشقیة، قم: داوری.

— عاملی، کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ه ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۲،
قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

— قرطبی محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.

— قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹ ه ق)، من لا یحضره الفقیه، مترجم:
غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق.

— کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

— مازندرانی، خاتون آبادی، اسماعیل خواجهائی (۱۴۲۶ ق)، رساله رضاعیه، مصحح:
سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

— مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق)، العناوین الفقهیة، قم: جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.

— مقدس اردبیلی احمد بن محمد (بی تا)، زیادة البیان فی احکام القرآن، تصحیح:
محمد باقر بهبودی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

— نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم:
مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

— هروی، محمد بن یوسف (۱۳۸۷)، بحر الجواهر معجم الطب الطبیعی، قم: جلال الدین.
— یزدی، سید مصطفی محقق داماد (بی تا)، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و
انحلال آن، قم.

